



مهدویت و اهداف

نظام تربیتی اسلام

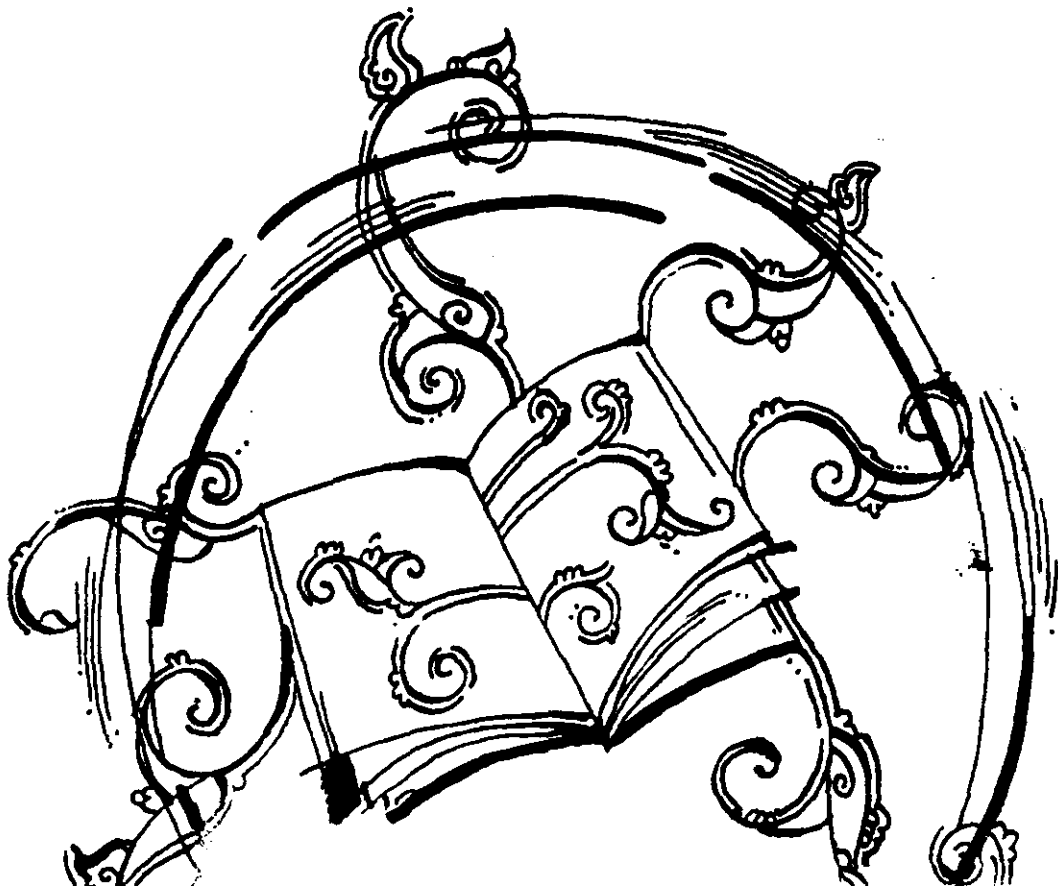
✻ غلامرضا صالحی *

چکیده

از جمله عوامل مهم در شناخت کامل نظام تربیتی حضرت مهدی علیه السلام و تبیین تمایز و افتراق این مکتب بزرگ تربیتی از دیگر مکاتب جهان، بیان اهداف تربیتی آن است که با اهداف تربیتی اسلام ناب و آموزه‌های قرآنی مطابقت کامل دارد. کارکرد بیان اهداف تربیتی، اهداف تربیتی در رابطه انسان با خداوند متعال، اهداف تربیتی در رابطه انسان با خودش، اهداف تربیتی در ارتباطات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی انسان، اهداف تربیتی در رابطه انسان با طبیعت، از محورهای اساسی این مقاله است که به تبیین آنها پرداخته‌ایم.

واژگان کلیدی

تربیت، نظام تربیتی، هدف، منابع هدف، تقوا، معرفت، عبادت، شکر، علم‌آموزی، خودسازی، غریز، ارتباط فرهنگی، ارتباط اقتصادی، ارتباط اجتماعی، ارتباط سیاسی، طبیعت.



هر نظام تربیتی، دینی یا غیردینی، محدود یا وسیع، درست یا نادرست، اهداف خاصی برای مکتب تربیتی خود در نظر می‌گیرد و طبق آن اهداف مشخص، سازوکارهای تربیتی‌اش را برنامه‌ریزی می‌کند. در نظر گرفتن هدف و غایت، جهت و مسیر نظام تربیتی را مشخص می‌کند و آن نظام تربیتی را از سردرگمی نجات می‌بخشد. اگر اهداف تربیت با توجه به واقعیات و نیازهای حقیقی آدمی و ابعاد وجودی انسان تعیین شود و مبتنی بر آموزه‌های الهی و وحیانی باشد، می‌توان شاهد رشد و تکامل و سعادت واقعی انسان بود. این ویژگی را در مکتب تربیتی اسلام و مهدویت می‌توان جست. از طرف دیگر، اگر اهداف تربیتی مکتبی بر اساس قضاوت‌های یک طرفه و برداشت‌های شخصی و بی‌اساس بنا نهاده شود و تنها به یک جنبه وجودی انسان توجه کند و با اندیشه‌های ناب الهی و آموزه‌های وحیانی مخالف باشد، بی‌آمدی جز اسارت انسان در محیط نفسانی و حیوانی نخواهد داشت و فرآیند تکامل و سعادت آدمی نیز با مشکل روبه‌رو خواهد شد. در اکثر مکاتب تربیتی غربی شاهد چنین وضعیتی هستیم. برای نمونه، در مکتب تفریطی روان تحلیلی زیگموند فروید (۱۸۵۶ میلادی)، انسان، موجودی معرفی می‌شود که غرایز نفسانی گوناگونی دارد و هدف اصلی فعالیت‌های آدمی، فقط جواب‌گویی به آنهاست. در میان این غرایز، غریزه جنسی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و در فرآیند قوام‌یابی شخصیت او نقش اساسی دارد. بر اساس مکتب تربیتی فروید، اهداف متافیزیکی و آن‌جهانی برای آدمی متصور نیست و اگر شخصی به چنین مفاهیم ارزش‌مندی تکیه کند، از دیدگاه فروید، خاصیتی بیش از رفع اضطراب از شخص ندارد. این محقق غربی، همه وجود انسان را در غریزه جنسی خلاصه می‌کند و در مورد اهمیت این غریزه چنین می‌گوید:

در بدن انسان نقاط مجزا و متعددی وجود دارد که تمایلات جنسی را بر می‌انگیزاند. هریک از این تمایلات، در نواحی مختلف بدن دارای منبعی هستند که به‌طور کلی به مناطق شهوت‌زا شهرت دارند... در دوران کودکی، غرایز جنسی به یک‌دیگر وابسته نیستند، ولی در دوران بلوغ این مناطق باهم در ایجاد لذت شرکت می‌کنند.^۱

در مکتب افراطی انسان‌گرایی نیز هدف اصلی از تربیت آدمی، چیزی جز آزادی بی‌حد و حصر او نیست. این مکتب، انسان را موجودی اکبر و مافوق تمامی حقایق هستی، هرچند مجبور و مقهور طبیعت می‌پندارد و مفاهیمی چون خدا، مابعدالطبیعه و مانند آن را پوچ می‌داند و هدف اصلی خلقت و زندگی انسان را جدایی از همه قیدوبندها و فرو رفتن در امیال انسانی می‌شمارد. ژان پل سارتر (۱۹۰۵ میلادی)، از بنیان‌گذاران مکتب اومانیزم، در این باره چنین می‌گوید:

هیچ علتی برای این‌که چرا انسان و جهان در آن باید وجود داشته باشند، یافت نمی‌شود. اگر خدا وجود داشت، دارای توجیه معقول بود. حتی امکان وجود خدا

اگر اهداف تربیت با توجه به واقعیات و نیازهای حقیقی آدمی و ابعاد وجودی انسان تعیین شود و مبتنی بر آموزه‌های الهی و وحیانی باشد، می‌توان شاهد رشد و تکامل و سعادت واقعی انسان بود

هم نیست. مفهوم خدا یک تناقض می‌باشد. بنابراین، جهان و تمام وجود هیچ توجیه و دلیلی ندارد و سراسر بی‌معنی، پوچ و یاوه است... انسان حقیقتی است غیر قابل انکار و نیز از نظر ریشه، غیر قابل درک و فهم کامل. آنچه انسان را بیشتر شاخص می‌کند، توانایی او در به‌کارگیری آزادی و اختیار است... انسان محکوم به آن است که آزاد باشد. ماهیت انسان به گونه‌ای است که اگر سعی کند از آزادی خود فرار کند، به شدت دست‌خوش انزجار و درماندگی و یأس می‌شود...

این مکاتب تربیتی هدفی جز دور ساختن نسل بشری از کمال نهایی و قرب الهی ندارند و انسان را به پایین‌ترین مرحله حیوانی و حتی پست‌تر از آن تنزل می‌دهند. نظام تربیتی اسلام و مهدویت در نقطه مقابل این مکاتب قرار دارد که علاوه بر اهداف دنیوی و مادی هم‌چون تربیت جسمانی و تربیت اجتماعی، اهداف متعالی‌تری نیز برای تربیت انسان در نظر گرفته است. از دیدگاه مکتب تربیتی اسلام و مهدویت، انسان باید به گونه‌ای تربیت شود که تمامی کارها و فعالیت‌هایش، رنگ و بوی معنوی و الهی داشته و هدف اصلی او کسب رضای الهی باشد و از تکامل روحی و عرفانی غفلت نکند. توسعه چنین هدف مقدسی، در میان بشریت، سعادت و حیات طیب را برای آنان به ارمغان خواهد آورد. خداوند در قرآن کریم با اشاره به چنین حقیقتی می‌فرماید:

﴿مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مَنْ ذَكَرَ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۲

هر کس - از مرد یا زن - کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.

کارکرد و ضرورت بیان اهداف تربیتی

یکی از ارکان مهم و کلیدی هر نظام و مکتب تربیتی، اهداف آن مکتب است که نقش بی‌بدیلی را در مکتب‌های

تربیتی برعهده دارد. برای تکمیل یک مکتب تربیتی و تعیین خط‌مشی‌های اساسی آن، ضروری است در گام نخست، اهداف تربیتی آن مکتب را مشخص کنیم. به‌طور کلی، کارکردها و فواید بیان اهداف تربیتی را می‌توان در این موارد خلاصه کرد:

۱. با مشخص شدن اهداف، تمامی فعالیت‌ها و عمل‌کردهای تربیتی، جهت‌دهی و سازمان‌یابی می‌شوند و فرآیند تربیت در جهت مشخص و دقیقی حرکت خواهد کرد.

۲. با مشخص شدن اهداف تربیت، انگیزه و میل درونی برای تربیت ایجاد می‌شود و فرآیند تربیت بر اساس انگیزه و اشتیاق لازم، شکل می‌گیرد.

۳. با مشخص شدن اهداف تربیت می‌توان فرآیند تربیت را ارزش‌یابی و نقد و بررسی کرد و با پی بردن به نقاط ضعف و قوت آن، در اصلاح امر تربیت و تکامل آن، کوشید.

مفهوم‌شناسی

تربیت

در زبان فارسی، تربیت در لغت به معانی «پروردن، پروراندن، آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن» به‌کار رفته است.^۱ از نظر اصطلاحی، تربیت را می‌توان این‌گونه تعریف کرد:

تربیت عبارت است از فعالیتی منظم و مستمر در جهت کمک به رشد جسمانی، شناختی، اخلاقی، اجتماعی، عاطفی و به‌طور کلی، پرورش و شکوفایی استعدادها و تربیتی که نتیجه آن در شخصیت متربی به‌ویژه در رفتارهای او ظاهر شود.^۲

نظام تربیتی

اگر نظام را «مجموعه اجزا و عناصری بدانیم که روابط معین و مشخصی میان آنها برقرار است و با تغییر هر یک از این عناصر یا نوع روابط مقرر، بازده و محصول نظام نیز تغییر خواهد کرد»، بنابراین، در تعریف نظام تربیتی چنین باید گفت:

نظام تربیتی، مجموعه‌ای از مفاهیم و اندیشه‌های منظم و سازمان یافته درباره تربیت می‌باشد که بین آنها روابط

متقابل جریان داشته و به اصطلاح، از نوعی هم‌بستگی درونی برخوردارند و بیان‌گر کیفیت و چگونگی تربیت، به‌طور اساسی و پایه‌ای می‌باشند.^۱

هدف

از تأمل در معنای لغوی هدف و واژه‌های مترادف آن مانند «قصد، غایت و غرض» برمی‌آید که همگی دربردارنده مفهوم «نهایت و سرانجام کار» هستند. هدف در لغت به معنای «نشانه تیر، هر شیء بلند و برافراشته» به کار رفته است.^۲ از منظر اصطلاحی، هدف را می‌توان این‌گونه تعریف کرد:

هدف، نقطه‌ای است که انسان به طرف آن حرکت می‌کند و جهت زندگی و کوشش‌های انسان را روشن می‌سازد.^۳

مفهوم هدف در تربیت

هدف، در تعلیم و تربیت به معنای: «وضع نهایی و مطلوبی است که به‌طور آگاهانه، سودمند تشخیص داده شده است و برای تحقق آن، فعالیت‌های مناسب تربیتی انجام می‌گیرد». ویژگی مشترک تمام اهداف تربیتی (اهداف غایی، کلی، جزئی، رفتاری) آن است که این اهداف، نتیجه یک یا چند فعالیت تربیتی‌اند.^۴

ویژگی‌های هدف

با توجه به مفهوم ارائه شده از هدف، مهم‌ترین ویژگی‌هایی که برای هدف می‌توان در نظر گرفت، عبارتند از:

۱. داشتن اختیار:

از آن‌جا که افعال اختیاری، با آگاهی و اراده انجام می‌گیرد، نوعی پیش‌بینی و انتخاب در تمامی آنها وجود دارد؛ یعنی ماهیت هدف، مستلزم دو بخش آگاهی و اراده است. پس هدف تنها در حوزه افعال اختیاری که با علم و اراده صورت می‌پذیرد، معنا دارد و بیرون از این قلمرو، چون افعال آگاهانه وجود ندارد، بی‌هدفند.

۲. انگیزش:

چون دستیابی به اهداف، تأمین‌کننده نیاز روانی و دیگر نیازهای فرد است، وی با میل و رغبت به‌سوی هدف حرکت می‌کند. پس یکی از ویژگی‌های مهم هدف، ایجاد انگیزه در فرد است.



۳. انتخاب مسیر:

بی‌تردید، از هر مسیر و با هر برنامه‌ای نمی‌توان به هدف رسید و برای رسیدن به هدف، برنامه‌ریزی و ترسیم هدف ضرورت دارد. بنابراین، یکی از خصوصیات هدف، داشتن مدیریت و برنامه‌ریزی و تعیین مسیر است.^{۱۱}

منابع تعیین اهداف تربیتی

یکی از مسائل مهم در برنامه‌های تربیتی، تعیین اهداف تربیتی است. توجه به نیازهای انسان که موضوع تربیت است، منبعی مهم و بلکه تنها منبع برای انتخاب و گزینش اهداف تربیتی به‌شمار می‌رود. منابعی را که در شناخت این نیازها مؤثرند، به سه دسته می‌توان تقسیم کرد که عبارتند از:

۱. منابع علمی

منظور از این منابع، تجربیات و نتایج آزمایش‌های دانش‌مندان در مورد نیازهای جسمی و روانی انسان‌هاست. علوم تجربی با توجه به نوع بینش و نگرش خاص خود در کشف روابط بین امور جزئی، صرفاً می‌تواند به مرتبه‌ای از نیازهای انسان بپردازد که در سطح جزئی و پایین‌تر از نیازهای اساسی او قرار دارد؛ زیرا علم با مرزهای تجربه مادی محصور شده و برای تعیین اهداف غایی تربیتی باید از دین و فلسفه بهره برد. تأمین نیازهای اولیه به‌وسیله یافته‌های علمی، شرط ارتقا به مراتب بالاتر و رفع نیازهای مهم‌تر به کمک فلسفه و دین است و بدون استفاده از دست‌آوردهای علمی، زمینه‌های لازم برای دستیابی به اهداف ناظر بر نیازهای فلسفی و دینی فراهم نمی‌شود.^{۱۲}

۲. منابع فلسفی

در چنین منبعی که شیوه‌ای عقلی دارد، فیلسوفان با مطالعه دقیق و انتقادی می‌کوشند عقاید آدمیان را درباره جهان و انسان ارزش‌یابی کنند و با ترسیم چارچوب مشخص این امور، افراد را در درک صحیح جهان و انسان و تنظیم رفتارشان یاری دهند. درواقع، باید گفت فلاسفه، در تدوین مکاتب تربیتی و ترسیم اهداف آن اساسی‌ترین نقش را بر عهده دارند و با ارائه نظام مشخصی از حقایق جهان، درصدد تبیین آرای تربیتی برآمده‌اند.

انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی، از قالب‌های اساسی اندیشه‌ها و دست‌آوردهای فلسفی است.

۳. منابع دینی

آموزه‌های وحیانی و الهی که انبیا برای مردم بیان کرده‌اند، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین منابع تعیین اهداف تربیت هستند. دین، به نگرش فلسفی فرد به تعلیم و تربیت و به دنبال آن، اهداف تربیتی جهت می‌دهد. کسی که با دیدی الهی به جهان هستی می‌نگرد، نمی‌تواند در زندگی خود، اهدافی مانند یک انسان ملحد داشته باشد و هدفی مافوق هدف‌های مادی و این‌جهانی خواهد داشت.^{۱۱}

دسته‌بندی اهداف تربیتی در نظام تربیتی مهدویت

با توجه به این که انسان همیشه با خود و محیط پیرامونش در ارتباط و تعامل است، اهداف تربیتی نظام تعلیم و تربیت اسلام و مهدویت را با توجه به روایات متعددی که در این زمینه وجود دارد، به چهار نوع اساسی می‌توان تقسیم کرد که تمامی ابعاد وجودی متری (بعد معنوی، بعد جسمانی، بعد عقلانی، بعد اخلاقی، بعد عاطفی، بعد اجتماعی) را زیر پوشش خود قرار می‌دهد. اکنون این اهداف را برمی‌شماریم:

الف) اهداف تربیتی مهدویت در وظایف انسان نسبت به خداوند یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین اهداف تربیتی نظام تربیتی اسلام و مهدویت، درباره مسؤلیت‌های انسان در مقابل خالق هستی است. تمامی هستی و وجود آدمی از خداوند متعال است و باید با انجام وظایف و مسؤلیت‌هایی که خالق هستی‌بخش برایش ترسیم کرده است، حق بندگی خود را به شایستگی به‌جا آورد. در نظام تربیتی اسلام و مهدویت، اهدافی که انسان در ارتباط با خدای متعال دنبال می‌کند، عبارتند از:

۱. خداشناسی

مهم‌ترین وظیفه انسان در برابر خداوند، شناخت صفات و ویژگی‌های او از طریق معرفت‌های حصولی (عقلی و تجربی) و همچنین شناخت حضوری و فطری خداوند متعال است. رسیدن به تکامل نهایی و تقرب به ذات اقدس الهی و هم‌چنین تخلق به

اخلاق الهی همگی در گرو شناخت و معرفت اوست. در قرآن کریم، هدف اصلی از خلقت آسمان‌ها و زمین، معرفت انسان به صفات و ویژگی‌های خداوند متعال بیان شده است:

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾^۱

خدا همان کسی است که هفت آسمان و همانند آنها هفت زمین آفرید. فرمان [خدا] در میان آنها فرود می‌آید، تا بدانید که خدا بر هر چیزی تواناست، و به‌راستی دانش وی هر چیزی را در بر گرفته است.

گسترش شناخت و معرفت الهی به‌طور همگانی در میان مردم از اصلی‌ترین اهداف مکتب تربیتی حضرت مهدی علیه السلام است که به‌واسطه آموزه‌های ناب مهدوی می‌توانند بالاترین معرفت را به خداوند متعال پیدا کنند. امام صادق علیه السلام درباره معرفت عمیق و صحیح و خالی از ابهام و انحراف مردم نسبت به خداوند متعال، در دوران ظهور چنین می‌فرماید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَىٰ أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ^۲

وقتی که قائم علیه السلام قیام کند، هیچ جایی از زمین باقی نمی‌ماند مگر این که آوای توحید و خداشناسی و پذیرش رسالت پیامبر در آن بلند است.

امام باقر علیه السلام، مبارزه با انحرافات و شبهات عقیدتی و فکری درباره معارف اسلامی و الهی، و هم‌چنین مستأصل شدن عناصر شبهه‌افکن و منحرف را از اهداف تربیتی نظام مهدوی می‌داند:

... لا يترك بدعة إلا أزالها و لا سنة إلا أقامها^۳

هیچ بدعتی را باقی نمی‌گذارد مگر این که آن را نابود کند و از هیچ سنتی نمی‌گذرد مگر این که آن را برپا سازد.

۲. پرهیزکاری

از دیگر اهداف تربیتی مکتب تربیتی اسلام و مهدویت در رابطه انسان با خداوند، داشتن ایمان قوی و رعایت اخلاق و تقواست. در حقیقت، برنامه اصلی همگی انبیا و اوصیا این بوده است که مردم را به‌سوی ایمان و تقوا جذب کنند و آنان را از کارهای زشت و ناپسند باز دارند و بدین وسیله آنان را مشمول رحمت الهی سازند، چنان که خداوند در این باره چنین می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ﴾^۴

و ما به کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده



شده، و [نیز] به شما سفارش کردیم.

از اهداف تربیتی مکتب تربیتی مهدوی این است که بندگان را از منجلا ب‌های فساد و تباهی نجات دهد و آنان را در چشمه زلال ایمان و تقوا شستشو دهد و بذر تقرب و نور الهی را در دل آنان استوار گرداند. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره تجلی ایمان و تقوا در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

خداوند، او (حضرت مهدی) را به وسیله فرشتگان خود تأیید می‌کند و یاران او را حفظ می‌کند و به وسیله نشانه‌های خود، او را یاری می‌رساند و او را بر اهل زمین پیروز می‌کند تا همه با میل و رغبت یا اکراه به او می‌گروند و زمین را از عدل و نور پر می‌کند، شهرها به او ایمان آورند تا هر کافری مسلمان گردد و زشت‌کاری باقی نمی‌ماند تا این‌که پرهیزکار و درست‌کار گردد...^{۳۱}

۳. عبادت و بندگی

بعد از شناخت خداوند و پرهیزکاری، بندگی و عبادت او به واسطه رفتار عبادی از دیگر اهداف تربیتی اسلام و مهدویت در ارتباط انسان با خداوند است. عبادت و پرستش خداوند، «نوعی رابطه خاضعانه و ستایش‌گرانه و سیاس‌گزارانه است که انسان با خدا برقرار می‌سازد و به دو صورت لفظی و عملی می‌باشد».^{۳۲} اگر از عبادت به معنای هدف تربیتی یاد می‌شود، به خاطر کسب و پرورش روحیه عبودیت و بندگی است و این که انسان همواره نسبت به خدا، حالتی خاضعانه و خاشعانه داشته باشد و از نظر قلبی احاطه او را بر رفتار و نیات خود بپذیرد. قرآن کریم، هدف اصلی خلقت انسان را عبادت و پرستش معرفی می‌کند:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^{۳۳}

و جن و انس را نیافریدم جز برای آن‌که مرا بپرستند.

در نظام تربیتی حضرت مهدی علیه السلام شرک و فساد و عبادت شیاطین انسی و جنی، جای خود را به پرستش و عبادت خداوند متعال خواهد داد و مردم به گونه‌ای تکامل معنوی می‌یابند که آموزه‌هایی عبادی و سنت‌های نبوی، با کیفیت و کمیت فوق‌العاده‌ای، در میان آنها به صورت امر عادی و ملکه درمی‌آید

و زمین و زمان از یاد و پرستش خالق هستی سرشار می‌شود. در آیه ۵۵ سوره نور، خداوند متعال به اهل ایمان وعده داده است آنان را در روی زمین حکومت می‌بخشد تا بندگی و عبادت او را انجام دهند و خطاب به آنان چنین فرموده است:

﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾^{۳۴}

[تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند.

امام سجاد علیه السلام در تفسیر و تأویل این آیه آن را درباره دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام می‌داند که بندگی و عبادت خداوند به صورت همگانی و فراگیر در جهان ظاهر می‌شود و بساط شرک و کفر و نفاق برچیده خواهد شد. آن حضرت در این مورد می‌فرماید:

به خدا سوگند، اینان شیعیان ما هستند که خداوند این کار را به دست مردی از ما اهل بیت انجام می‌دهد و این مرد، مهدی این امت است...^{۳۵}

ب) اهداف تربیتی مهدویت در وظایف انسان نسبت به خود

در نظام تربیتی اسلام و مهدویت، انسان نسبت به خودش نیز مسئولیت خطیری دارد و باید وظایفی را در ابعاد مختلف شناختی، عاطفی و رفتاری وجود خویش انجام دهد که هدف‌های تربیتی ارتباط انسان با خودش را تشکیل می‌دهد. آن هدف‌ها عبارتند از:

۱. اندیشه‌ورزی و کسب علم و معرفت

در نظام و مکتب تربیتی اسلام و مهدویت، انسان‌ها باید به دنبال به دست آوردن معارف و علوم صحیح و کارآمد برای سعادت دنیوی و اخروی خود باشند و روزه‌روز بر ذخایر عقلی و معرفتی خود بیفزایند. بدون شک، انسان در میان دیگر آفریده‌های خداوند ویژگی‌هایی دارد که یکی از آنها توانایی تعقل و به دست آوردن دانش است. انسان‌ها نباید از این نعمت بزرگ الهی غفلت ورزند و خود را سرگرم امور بیهوده کنند. انسان وظیفه دارد خود و خالقش را بشناسد و با تعقل و اندیشه درباره هدف از خلقت جهان هستی، به دنبال کسب معارف و

بومی باشد که در خدمت به بشر نقش دارد و در تکامل بعد شناختی و معرفتی انسان بسیار اهمیت کسب دانش همین بس که در قرآن کریم از پیامبر اکرم ﷺ روایت می‌شود: «وَجَرَدَ عِلْمَ سِرِّشَارِ أَنْ حَضَرَ - خَاسْتَهُ شَدَّ مِنْ خَدَاوَنْدِ عِلْمٍ وَ دَانَشٍ بِيَشْتَرِ طَلَبِ فَتَنَد، چنان که در قرآن در این باره چنین می‌خوانیم:

﴿وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾^{۲۱}

و بگو: «پروردگارا، بر دانشم بیفزای.»

در جای دیگری در تمجید از اهل دانش و معرفت چنین آمده است:

﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾^{۲۲}

خدا [رتبه] کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانش مندند [بر حسب] درجات بلند گرداند، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.

یکی از اهداف بزرگ مکتب تربیتی مهدوی این است که پی‌جویی و کسب علم و معرفت و هم‌چنین فرهنگ تفکر و اندیشه، در میان مردم جوامع نهادینه شود و انسان‌ها از بُعد شناختی و معرفتی، به قله‌های تکامل و پیش‌رفت برسند و حقایق مربوط به جهان هستی را به‌خوبی دریابند، چنان که امام باقر علیه السلام درباره روند رشد اندیشه و تعقل در نظام تربیتی مهدوی می‌فرماید:

إذا قام قائمنا وضع الله يده على رنوس العباد فجمع بها عقولهم و كملت به أحلامهم؛^{۲۳}

وقتی قائم ما قیام کند، دست (رحمتش) را بر سر مردم می‌گذارد و به واسطه آن، عقل و اندیشه آنان را منسجم و متکامل می‌کند و بر حلم و اخلاقتشان می‌افزاید.

اصام صادق علیه السلام نیز در روایتی دیگر، گسترش علوم و معارف در میان بشر را از خصوصیات چنین نظام تربیتی می‌داند و در این باره چنین می‌فرماید:

اصل علوم دارای ۲۷ حرف است و تمام آنچه پیامبران تاکنون برای مردم آورده‌اند، تنها دو حرف بوده است. وقتی قائم قیام کند، ۲۵ حرف دیگر علم را نیز آشکار می‌کند و در میان مردم رواج می‌دهد و آن را ضمیمه آن دو حرف علم می‌کند تا ۲۷ حرف تکمیل گردد.^{۲۴}

۲. کسب ایمان و فضایل اخلاقی

از دیگر اهداف تربیتی در مورد وظایف انسان نسبت به خود این است که آدمی سعی کند روزبه‌روز ایمان و اعتقاد و اخلاق خود را کامل‌تر گرداند و با تهذیب و خودسازی، خود را به صفات الهی آراسته سازد و حق خلیفه‌اللهی را به‌خوبی به‌جا آورد. انسان به‌گونه‌ای خلق شده است که می‌تواند خود را با صفات و ویژگی‌های انسانی که در فطرت الهی او ریشه دارد، بیازاید و با کسب فضایی هم‌چون حقیقت‌جویی، خداجویی، کمال‌جویی،

با مشخص شدن اهداف تربیت، انگیزه و میل درونی برای تربیت ایجاد می‌شود و فرآیند تربیت بر اساس انگیزه و اشتیاق لازم، شکل می‌گیرد.

زیادوستی الهی و احسان به خلق، خود را به مرز انسان کامل نزدیک گرداند و بهترین و گواراترین حیات و زندگانی را برای خویش در دنیا و آخرت فراهم آورد. در همین زمینه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هدف اصلی بعثت را گسترش اخلاق و صفات الهی در میان مردم معرفی کرد و در این باره فرمود:

إِنِّي بَعَثْتُ لَأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛^{۱۳}

همانا من به خاطر این مبعوث به رسالت شدم که مکارم و خوبی های اخلاقی را کامل گردانم.

در نظام تربیتی حضرت مهدی علیه السلام به واسطه عنایات خاص خداوند به بندگانش، روح اخلاق نیکو و کمال طلبی در میان مردم رونق می یابد و دشمنی و کدورت ها و دیگر صفات شیطانی و نفسانی، از زندگی مردم برچیده می شود و صفا و صمیمیت، دل سوزی و شفقت به بندگان خدا و دیگر صفات الهی جای آن را می گیرد. در چنین جامعه الهی گونه ای، دیگر کسی به کسی ظلم نمی کند و مردم نسبت به ادای حقوق یکدیگر برانگیخته می شوند و بزرگ ترین افتخار آنان این است که به یکدیگر خدمت کنند و با مودت و برادری با هم تعامل داشته باشند. امام باقر علیه السلام گسترش اخلاق الهی و سجایای انسانی در میان مردم را از ویژگی های ایده آل مکتب تربیتی مهدوی برمی شمارد و چنین می فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعِ يَدَهُ عَلَى رُئُوسِ الْعِبَادِ... وَ اكْمَلَ بِهِ اخْلَاقَهُمْ؛^{۱۴}

هنگامی که قائم ما قیام کند، دست - الهی - خود را بر سر بندگان می گذارد و به واسطه آن، اخلاق آنان را کامل می گرداند.

۱۳. تعدیل و هدایت غرایز

از دیگر اهداف تربیتی اسلام و مهدویت در زمینه وظایف انسان در رابطه با خودش این است که گرایش های غریزی اش را به سوی اهداف الهی و آرمانی هدایت کند و از آنها بهره مشروع و معقول ببرد. غرایزی هم چون گرایش به آب و غذا، گرایش جنسی و گرایش به خواب - که معمولاً انسان در این موارد با حیوانات برابر است - لازمه زندگی اوست و زندگی بدون آنها ممکن نیست. انسان در قبال چنین امیالی وظیفه دارد با توجه به آموزه های الهی و دینی، آنها را کنترل و هدایت کند و استفاده صحیح و لازم را از آنها ببرد. انسان باید از افراط و تفریط در چنین گرایش هایی خودداری و در حد نیازهای متعارف و معقول بدان ها بسنده کند. اسلام، انسان را درباره همه گرایش ها و غرایز درونی انسان، به میانه روی و استفاده معقول و مشروع توصیه کرده است و انسان ها را از زیاده روی و تجاوزگری در چنین امیالی باز داشته است، چنان که قرآن کریم در مورد تعدیل در غریزه خوردن و آشامیدن می فرماید:

﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾؛^{۱۵}

ای فرزندان آدم، جامه خود را در هر نمازی برگزید، و بخورید و بیاشامید [لسی] زیاده روی مکنید که او اسراف کاران را دوست نمی دارد.

توجه مطلوب و ارزشی به غرایز و گرایش های انسانی و هدایت آن خواسته ها به سوی اهداف الهی و آرمانی از اهداف تربیتی مکتب تعلیم و تربیت حضرت مهدی علیه السلام است. در زمان ظهور آن بزرگوار، به انسان ها اجازه داده می شود که از امیال و گرایش های ذاتی و درونی خود تا جایی که به فساد و تباهی و از بین رفتن حقوق دیگران و هتک موازین شرعی و اخلاقی منجر نشود، بهره ببرند و این خواسته ها در خدمت تکامل و سعادت بشری قرار گیرد. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، میانه روی و تعدیل در غرایز را از ویژگی های اصلی یاران حضرت مهدی علیه السلام برمی شمارد و چنین می فرماید:

إِنَّهُ (القائم) يَأْخُذُ الْبَيْعَةَ عَنْ أَصْحَابِهِ عَلَى أَنْ لَا يَسْبُوا



مسلماً و لا يهتكوا حرماً محرماً و لا يهجموا منزلاً و لا يضربوا أحداً إلا بالحق و لا يكتزوا ذهباً ولا فضةً ولا براً ولا شعيراً و لا تأكلوا مال اليتيم و لا يلبسوا الخبز و لا الحرير و لا يمتنطقوا بالذهب و لا يحبسوا طعاماً من بر أو شعير و يرضون بالقليل...^{۸۲}

امام قائم با یارانش بیمان می‌بندد که مسلمانی را دشنام ندهند و حریمی را هتک نکنند و به خانه‌ای هجوم نبرند و کسی را به ناحق نزنند و طلا و نقره و گندم و جو (زیادی) انباشته نسازند و مال یتیمان را نخورند و لباس خز و حریر (اشرافی) نپوشند و کمر بند زرین نبندند و گندم و جو احتکار نکنند و در امور معاش به اندک (متعادل) بسنده کنند....

باید دانست در زمان حکومت مهدوی، با ارضای غرایز خدادادی که لازمه حیات انسان است، هیچ‌گونه مخالفتی صورت نمی‌گیرد، بلکه به تعدیل غرایز و میانه‌روی عقلی و شرعی در آن توجه می‌شود. برای مثال، آن حضرت با گرایش آدمی به نوپوشی برخورد نمی‌کند، بلکه با اسراف و تبذیر و الگوبرداری از مدهای غیراخلاقی و مانند آن که برای سلامتی جسمی و روحی آدمی زیان‌بار است، مخالفت می‌کند.

۴. توجه هم‌زمان به بُعد جسمانی و (رومانی)

از دیگر ویژگی‌های منحصر به فرد مکتب تربیتی اسلام و مهدوی این است که برخلاف دیگر مکاتب تربیتی هم‌چون اومانیسیم و لیبرالیسم، که انسان را فقط در بُعد حیوانی و فیزیولوژیکی خلاصه و از دیگر ابعاد وجودی‌اش غفلت می‌کنند، به دو بُعد جسمی و معنوی انسان توجه کرده است و از انسان‌ها می‌خواهد با اهداف مشخص و حساب‌شده، در تربیت جسمی و روحی خود به‌صورت هم‌آهنگ کوشا باشند. دین و شریعت کامل اسلام، علاوه بر این که به بُعد معنوی و ملکوتی انسان توجه زیادی کرده و از انسان‌ها خواسته است از اعمال عبادی هم‌چون نماز، روزه، یاد خداوند و معصومین علیهم‌السلام غفلت نکنند و در تعالی روحی خود که هدف خلقت آدمی است، نهایت جدیت را داشته باشند، به بُعد جسمی انسان که وسیله و ابزاری برای تکامل روحی و تقرب الی‌الله است، توجه دارد. بی‌تردید، انسان همانند دیگر موجودات برای تداوم زندگی به آب و غذا و استراحت و مانند آنها نیاز دارد و اگر فردی در رفع نیازهای فیزیولوژیک خود تسامح کند، امکان تحقق اهداف انسانی و الهی برای او فراهم نمی‌شود. لذا رمز عنایت و توجه دین به کیفیت ارضای نیازهای فیزیولوژیک، فراهم کردن زمینه مناسب برای ترقی و کسب بینش و نگرش الهی و تقرب به خداست. اسلام به انسان اجازه داده است در کنار بُعد معنوی و روحی خود، به واسطه غذای مناسب و لازم، تحرک و استراحت کافی، بهداشت و درمان جسمی و روانی و مانند آن، از بُعد جسمی و مادی خود مراقبت کامل کند و با بدن و روان سالم و پر قدرت به دنبال اهداف الهی و توحیدی باشد، نه این که مانند دیگر مکاتب تربیتی، اصالت را به بعد جسمانی و فیزیولوژیکی دهد و همانند حیوانات به غرایز طبیعی بپردازد و از اهداف عالی انسانی غفلت کند. خداوند در قرآن کریم درباره این دسته

مهم‌ترین وظیفه انسان در برابر خداوند، شناخت صفات و ویژگی‌های او از طریق معرفت‌های حصولی (عقلی و تجربی) و همچنین شناخت حضوری و فطری خداوند متعال است. رسیدن به تکامل نهایی و تقرب به ذات اقدس الهی و همچنین تخلق به اخلاق الهی همگی در گرو شناخت و معرفت اوست

از افراد فرموده است:

﴿الَّذِينَ كَفَرُوا يَمْتَحِنُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ
وَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ﴾^{۱۲}

کسانی که کافر شده‌اند، [در ظاهر] بهره می‌برند و همان‌گونه که چارپایان می‌خورند، می‌خورند، و [لی] جایگاه آنها آتش است.

در مکتب تربیتی حضرت مهدی علیه السلام توجه هم‌زمان به نیازهای مادی و معنوی مردم، رشد چشم‌گیری می‌کند و انسان‌ها علاوه بر تأمین خواسته‌های روحی و ملکوتی و فراهم آمدن زمینه‌های لازم برای رشد اخلاقی و معنویشان، به نیازهای فیزیولوژیکی خود به‌درستی پاسخ می‌گویند و بسترهای لازم را برای رشد بدنی و بهداشت روانی و جسمی ایجاد می‌کنند. در این مکتب تربیتی مردم، با افزایش کمی و کیفی در تغذیه مناسب، محیط‌زیست سالم، بهداشت و درمان همگانی و مانند آن می‌توانند بهتر و شایسته‌تر و با آرامش کامل به عبادت و بندگی خداوند متعال کمر همت ببندند و در تکامل معنوی خود و جامعه بکوشند. رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله در مورد بهبود وضع معیشتی و مادی مردم در نظام تربیتی مهدوی می‌فرماید:

يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ رِسَالَتِهِ نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا قَبْلَهَا قَطُّ...^{۱۳}

امت من در زمان مهدی صلی الله علیه و آله آن‌چنان به نعمت‌ها (مادی و معنوی) دست می‌یابند که در هیچ زمانی این‌گونه نبوده است.

امام باقر علیه السلام نیز در این باره چنین می‌فرماید:

همه اموال جهان نزد مهدی صلی الله علیه و آله گرد می‌آید و هر آن‌چه در دل زمین یا روی آن است، در اختیار او قرار می‌گیرد. آن‌گاه حضرت به مردم چنین خطاب می‌کند: بیایید، این اموال را بگیرید که به‌خاطر آن قطع رحم انجام دادید و خون‌ریزی و گناه کردید...^{۱۴}

(ج) اهداف تربیتی مهدویت در وظایف انسان نسبت به دیگران

در مکتب تربیتی اسلام و مهدویت، با توجه به شأن و جایگاه

خاص هرانسانی، مردم در مقابل یک‌دیگر نیز مسئول هستند و در ارتباط خود باید اهداف خاصی را دنبال کنند. ارتباط و تعامل انسان با دیگران را به چهار بُعد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تقسیم و اهداف تربیتی هر کدام از این ابعاد ارتباطی را از منظر مکتب تربیتی اسلام و مهدویت بررسی می‌کنیم.

۱. ارتباطات اجتماعی

انسان چاره‌ای ندارد که با دیگر انسان‌ها ارتباط و تعامل داشته باشد و به‌واسطه این روابط به نیازهای روحی و جسمی خود پاسخ دهد. در نظام تربیتی اسلام ناب و مهدویت از مردم خواسته شده است که از یک‌طرف حقوق و وظایف اجتماعی خود را کاملاً بشناسند و از طرف دیگر، در پرتو رعایت حقوق و وظایف اجتماعی، ارتباطات سالم و صحیحی با یک‌دیگر برقرار کنند. از دیدگاه مکتب تربیتی اسلام و مهدوی، اهداف و مسئولیت‌های مقدسی در ارتباط مردم با پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام و جانشینان آنها، ارتباط میان معلم و فراگیر، ارتباط والدین و فرزندان، ارتباط زن و شوهر، ارتباط مؤمنان با هم‌دیگر و همچنین ارتباط مؤمنان با عموم مردم جهان وجود دارد که مردم در هر یک از این ارتباطات باید بر اساس موازین شرعی و عقلی، نهایت دقت را به کار گیرند تا مبادا حقوق و وظایف اساسی تضييع شود و اهداف الهی محقق نگردد. به عبارت دیگر، آموزه‌های وحیانی و الهی برای هر کدام از انسان‌ها با توجه به شأن و جایگاه خودش، حقوق و حدود و مرزهایی تعیین کرده است که مردم مسئولیت دارند از این مرزها و حدود تعدی و تجاوز نکنند و تکالیف خود را در مورد هر کدام از آنها با توجه به دستورهای الهی ادا کنند. در قرآن کریم درباره این حدود و حقوق الهی چنین آمده است:

﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ
فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾^{۱۵}

این است حدود [احکام] الهی؛ پس، از آن تجاوز نکنید. و کسانی که از حدود [احکام] الهی تجاوز کنند، آنان همان ستم‌کارانند.

در مکتب تربیتی مهدوی، مردم به‌گونه‌ای از آموزه‌های الهی بهره می‌برند که بر اساس وظایف و مسئولیت‌هایشان، روابط

یکی میان مردم برقرار می‌شود و برخلاف دوران قبل از ظهور که بی‌توجهی به یکدیگر، بی‌احترامی به معصومین علیهم‌السلام و جانشینان آنها، روابط خشن و شیطانی، و جنایت و مانند آن به صورت امری عادی درآمده است، وظیفه‌شناسی و ایجاد روابط انسانی در میان مردم رونق خواهد گرفت. در چنین جامعه‌ای، دوستی و تفاهم و صمیمیت گسترش می‌یابد و عدالت اجتماعی به معنای واقعی آن تحقق خواهد یافت. امام صادق علیه‌السلام احترام به حقوق اجتماعی و ایجاد دوستی و برادری میان مردم را از خصوصیت‌های مکتب تربیتی مهدوی برمی‌شمارد و در این باره چنین می‌فرماید:

... یحسن حال عامّة العباد و یجمع الله الکلمة و یؤلف بین قلوب مختلفة و لا یعصى الله - عزوجل - فی أرضه و یقام حدود الله فی خلقه و یرد الله الحقّ إلى أهله؛^{۳۱}

وضع مردم (در دوران ظهور) سامان می‌یابد و اتحاد میان مردم برقرار می‌شود و قلوب ناسازگار به هم نزدیک می‌شوند و الفت می‌گیرند و خدا در زمین معصیت نمی‌شود و حدود خداوند در میان بندگان اجرا و برپا می‌شود و خداوند، حق را به اهلس بر می‌گرداند.

امام باقر علیه‌السلام در مورد گسترش هم‌دلی و برابری میان مردم که نتیجه اجرای حقوق الهی و عدالت اجتماعی است، چنین می‌فرماید:

إذا قام القائم جائت المزاملة و أتى الرجل إلى کیس أخیه فیأخذ حاجته لا یمنعه؛^{۳۲}

هرگاه قائم بیستیم قیام کند، رفاقت و برادری برقرار می‌شود، به گونه‌ای که هر کس دست خود را در جیب برادرش می‌کند و بدون ممانعت به قدر نیازش برمی‌دارد.

۲. ارتباطات اقتصادی

بر اساس مکتب تربیتی اسلام و مهدویت، مسائل اقتصادی به‌ویژه امر تولید، توزیع و مصرف باید بر اساس اهداف الهی تنظیم و اجرا شود. در مکاتب غیردینی، هدف اصلی در روابط اقتصادی میان مردم، فقط تولید روزافزون، به‌دست آوردن سود بیشتر و تلاش برای فراهم آوردن زندگی رفاه‌زده و مادی صرف است. در این نگرش، قوانین الهی در ساختار اقتصادی جامعه، هیچ نقشی ندارد. به همین دلیل، نظام طبقاتی میان مردم به‌وجود می‌آید و جامعه به دو قشر مستضعف و سرمایه‌دار تقسیم می‌شود.

در مکتب تربیتی اسلام و مهدویت، فلسفه تربیتی الهی با اهداف مشخصی در امر اقتصاد وجود دارد که تنها درصدد رفع نیازهای مادی بشر نیست، بلکه در کنار آن، عدالت اجتماعی و تأمین رفاه عمومی را از اهداف اصلی روابط اقتصادی می‌شمارد. در مکاتب لیبرالیستی غربی که اصول انسانیت را زیر سؤال برده‌اند، اقتصاد صحیح چیزی جز رفاه یک طبقه خاص و بهره‌وری از توده مردم برای تولید و توزیع بیشتر برای منافع حزبی و

ایجاد اقتصاد سالم و الهی در سطح جهان و تأمین نیازهای مادی و اقتصادی دیگر مردم در هر گوشه دنیا به‌طور مساوی و گسترش عدالت و رفاه مادی و شغلی، از مؤلفه‌های اصلی مکتب تربیتی مهدوی است

گروهی نیست. در مقابل، در مکتب تربیتی اسلام و مهدویت، هدف اساسی از تولید و مصرف و تعاملات اقتصادی، دستیابی به موااسات در اموال و تحقق عملی رفاه و عدالت اجتماعی است. مصارف بشری نیز باید در جهت کسب رضایت الهی و دوری از زیاده‌روی و فساد باشد تا همه مردم بتوانند در سایه روابط اقتصادی سالم، از امکانات و منابع خدادادی به‌صورت برابر استفاده کنند. بنابر فرموده قرآن کریم، استفاده از اموال هنگامی ارزش‌مند است که در مسیر الهی و انجام فرمان‌های خداوند و رسیدگی به خلق صورت پذیرد:

﴿وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِآيَاتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَن آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا﴾^{۳۲}

و اموال و فرزندانان چیزی نیست که شما را به پیشگاه ما نزدیک گرداند، مگر کسانی که ایمان آورده و کار شایسته کرده باشند.

ایجاد اقتصاد سالم و الهی در سطح جهان و تأمین نیازهای مادی و اقتصادی دیگر مردم در هر گوشه دنیا به‌طور مساوی و گسترش عدالت و رفاه مادی و شغلی، از مؤلفه‌های اصلی مکتب تربیتی مهدوی است. در چنین نظامی عملاً فقر و تهی‌دستی و نظام طبقاتی اقتصادی برچیده می‌شود و دیگر استعمارگری یافت نمی‌شود که برای حفظ منافع خود، مردم را از نیازهای اولیه و اساسیشان محروم سازد و محصولات مورد احتیاج مردم را از ترس کاهش قیمت به دریا اندازد، آن گونه که نمونه آن را اکنون در جهان سرمایه‌داری و استعماری غرب می‌بینیم. امام باقر علیه السلام درباره وضع مطلوب اقتصادی مردم در نظام تربیتی مهدوی و برقراری ارتباطات سالم اقتصادی در جامعه چنین می‌فرماید:

در زمان حضرت مهدی علیه السلام آن چنان در میان مردم مساوات و برابری برقرار می‌شود که دیگر کسی نیازمند زکات نیست و وضع معیشتی مردم سامان می‌یابد...^{۳۳}

امام صادق علیه السلام نیز در این باره چنین می‌فرماید:

سبحان الله، آیا دوست ندارید که خداوند دولت حق و عدالت و مساوات را برای شما ظاهر سازد و حال

عموم مردم (از نظر مادی و معنوی) سامان یابد و وحدت و برادری در میان مردم پدید آید...^{۳۴}

چنین وضع مطلوب معیشتی و اقتصادی مردم که مرهون روابط سالم اقتصادی جامعه و رعایت حقوق یک‌دیگر است، تنها در زمان حضرت مهدی علیه السلام محقق می‌شود.

۳. ارتباطات سیاسی

از دیگر ارتباطات انسان‌ها و جامعه اسلامی، روابط آنها با دیگر ملل جهان و اقوام مختلف در سطح دنیاست که بر اساس مکتب تربیتی اسلام و مهدویت، هدف‌های تربیتی خاصی نیز در این نوع ارتباط وجود دارد. اسلام از جامعه اسلامی می‌خواهد با دیگر ملل جهان که رفتار خصمانه‌ای نسبت به اسلام و مسلمانان ندارند، ارتباط صمیمانه برقرار سازند و عدالت و مساوات را در حق آنان رعایت کنند تا بدین وسیله هم اسلام را گسترش دهند و هم نیازهای خود را به‌واسطه آنان (با رعایت عزت دینی) برآورده کنند. در قرآن کریم در این باره آمده است:

﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾^{۳۵}

[اما] خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد.

از طرف دیگر، خداوند متعال، ارتباط با ملت‌ها و جوامعی را که قصد دین‌ستیزی دارند و هدفی جز ضربه زدن به جامعه اسلامی ندارند، نفی می‌کند. به همین دلیل، ارتباط و تعامل با آنان را ظلم بزرگ به کیان اسلامی به‌شمار می‌آورد و از مسلمانان می‌خواهد با عزت و ابهت تمام در برابر آنان بایستند و اجازه هیچ‌گونه حرکتی را بر ضد جامعه اسلامی بدان‌ها ندهند، چنان که در قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾^{۳۶}

فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که در [کار] دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانده و در بیرون راندن با یکدیگر هم‌پشتی کرده‌اند. و هرکس آنان را به دوستی گیرد، آنان همان ستم‌گرانند.

در حقیقت، هدف اساسی تربیتی اسلام در تعاملات بین‌المللی و سیاسی، کسب عزت و قدرت اسلامی و الهی است تا در سایه چنین قدرتی، از یک‌سو، دیگر جوامع را متوجه اهداف اسلامی سازد و برادری و برابری و کرامت انسانی را در جهان گسترش دهد و از سوی دیگر، از استقلال و آزادی مشروع خود دفاع کند و از ظلم و تباهی ناشی از سیطره سیاسی جریان‌های فاسد و اسلام‌ستیز بر جوامع مسلمان و غیرمسلمان جلوگیری کند.^{۲۰} در این صورت، شعایر و احکام و دستورهای اسلام در جهان اجرا می‌شود، چنان‌که در قرآن کریم در این باره چنین می‌خوانیم:

﴿الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^{۲۱}

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وا می‌دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و فرجام همه کارها از آن خداست.

در نظام تربیتی حضرت مهدی علیه السلام بر اساس بینش اسلامی و قرآنی، روابط سالم و پربازدهی از نظر مادی و معنوی میان دیگر ملل جهان برقرار خواهد شد و کشورها و اقوام مختلف دنیا، تعاملات سیاسی شایسته‌ای با هم برقرار می‌سازند که دوستی، برابری

و روابط عاطفی و دینی، از مؤلفه‌های اصلی چنین روابطی است. در این نظام تربیتی، روابط سیاسی و بین‌المللی، صبغه دینی و اسلامی به خود می‌گیرد و



دست غارت‌گران و سرمایه‌داران فاسد از سر ملل دنیا کوتاه می‌شود و روابط حسنه و تعاملات الهی - انسانی در بین ملل جهان به‌وجود می‌آید، چنان‌که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره ایجاد دوستی و مودت میان مردم جهان در نظام تربیتی مهدوی چنین می‌فرماید:

ولو قد قام قائمنا لذهبت الشحنة من قلوب العباد
واصلحت السباع والبهائم حتى تمشى المردة بين
العراق إلى الشام على رأسها زيتها لايهيجهما سبع
ولاتخافه...^۳

و هرگاه قائم قیام کند، دشمنی و کینه از دل مردم بیرون می‌رود و حتی حیوانات و درندگان هم با هم سازگاری دارند، چنان‌که زن می‌تواند با زینت خود از عراق به شام برود و کسی به او آسیب نرساند و از چیزی بیم نداشته باشد.

امام صادق علیه السلام گسترش اتحاد، هم‌دلی، برادری و ارتباط سالم میان جوامع بشری را از ویژگی‌های نظام تربیتی مهدوی برمی‌شمارد و می‌فرماید:

و بحسن حال عامة العباد و يجمع الله الكلمة و يؤلف
بين قلوب مختلفة...^۴

و (در زمان حضرت مهدی علیه السلام) حال مردم سامان می‌یابد و یکدستی و وحدت کلمه میان مردم به‌وجود می‌آید و افکار و عقاید ناسازگار با هم الفت و دوستی پیدا می‌کنند...

۴. ارتباطات فرهنگی

در نظام تربیتی اسلام و مهدویت، ارتباطات و تعاملات فرهنگی، اهداف و ویژگی‌های خاصی دارد که می‌تواند انسان‌ها را به‌سوی کمال و سعادت رهنمایی کند. عوامل فرهنگی مانند هنر، زبان، آداب و رسوم، هنگامی می‌تواند موجب رشد و تکامل انسان و جامعه باشد که هم‌سو با آموزه‌های الهی و دینی، تحت‌تأثیر ارزش‌های دینی قرار گیرد. در مکتب تربیتی اسلام ناب، تعاملات و ارتباطات فرهنگی باید به‌گونه‌ای باشد که فرهنگ حاکم بر جامعه را به‌سوی رشد و تعالی معنوی

هدایت کند؛ چون در غیر این صورت، هیچ ارزشی ندارند. آشکار است که اگر بنیان‌های فرهنگی جامعه هم‌چون هنر، اقتصاد، زبان، آداب و رسوم اجتماعی و مانند آن جهت‌ی ارزیابی بیابند و به‌سوی دست‌یابی به هدف اصلی؛ یعنی قرب خدا متمایل شوند، چهره کلی فرهنگ جامعه دگرگون می‌شود. ایجاد مظاهر فرهنگی متناسب با تعلیمات مذهبی و زدودن عوامل انحرافی و فسادآفرین فرهنگی و گرایش به سوی تأمین خواسته‌های متعالی و رشد ابعاد انسانی، می‌تواند مهم‌ترین هدف تربیتی اسلام در تعاملات فرهنگی باشد. قرآن کریم، یکی از اهداف تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را برپایی فرهنگ و ارزش‌های الهی و از بین بردن ارزش‌ها و آداب رسوم غلط و انحرافی معرفی می‌کند:

﴿وَيَحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتُ وَيَحْرُمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثُ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾^۵

[همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد، و از کار ناپسند باز می‌دارد، و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند، و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد.

ترویج و گسترش فرهنگ صحیح و مطابق با آموزه‌های دینی و الهی و هم‌چنین ریشه‌کنی فرهنگ و سنت‌های غلط و شیطانی مانند فرهنگ لیبرالیستی غربی که جز انحطاط و تباهی انسان‌ها هدفی ندارند، از مهم‌ترین اهداف نظام تربیتی مهدوی در بُعد ارتباطات فرهنگی است. در چنین مکتبی، ارزش‌ها و سنت‌های اسلامی و قرآنی، بعد از مدت‌ها فراموشی و بی‌توجهی، در میان مردم زنده می‌شوند و بدعت‌های فرهنگی و ارزش‌های منفی و جدانشده از آموزه‌های وحیانی و الهی، ریشه‌کن خواهد شد. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، احیای فرهنگ ناب اسلامی و قرآنی و روابط خوب فرهنگی را که بر اساس احکام و دستورهای الهی استوار است، از خصوصیات بارز حکومت حضرت مهدی علیه السلام برمی‌شمارد و در این باره چنین می‌فرماید:

كأنِّي أنظر إلى شيعتنا بمسجد الكوفة قد ضربوا

عَسَاطِيطُ يَعْلَمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ...»^{۱۰}

گویا شیعیان را می‌بینم که خیمه‌هایی در مسجد کوفه برافراشته‌اند و قرآن را به مردم می‌آموزند.

امام باقر علیه السلام، روابط خوب فرهنگی در میان خانواده‌ها به‌ویژه بانوان را از ویژگی‌های ایام ظهور دانسته و در این مورد چنین فرموده‌اند:

و يؤتون الحكمة في زمانه حتى ان المربة لتقضى في بيتها بكتاب الله تعالى و سنة رسول الله؛^{۱۱}

در زمان حضرت مهدی به همه مردم حکمت و علم آموخته شود تا آن‌جا که حتی زنان در خانه‌ها بر اساس کتاب خدا و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله قضاوت می‌کنند.

د) اهداف تربیتی مهدویت در وظایف انسان نسبت به طبیعت

در نظام تربیتی مهدوی، انسان نسبت به طبیعت و محیط‌زیست اطراف خودش مسئول است و در ارتباط با آن اهداف خاص تربیتی دارد. به‌طور کلی دو هدف اصلی برای آن می‌توان ترسیم کرد که عبارتند از:

۱. شناخت طبیعت

به دلیل ارتباط تنگاتنگ انسان با محیط اطراف خود مانند زمین، آسمان، دریا و خشکی، وی باید شناخت متعارفی نسبت به آنها داشته باشد. او تا نداند در محیط پیرامونش چه چیزهایی وجود دارد، نمی‌تواند به‌راحتی با آنها تعامل برقرار کند و از آنها بهره‌بردار شود. امروزه نیز علم به شناخت هرچه بیشتر محیط پیرامون آدمی و قوانین حاکم بر آن توجه دارد؛ چون می‌کوشد از طبیعت، بیشتر بهره‌مند شود. هدف اسلام از شناخت طبیعت مانند دیگر مکاتب، فقط بهره‌وری و لذت بردن از محیط پیرامون و آباد ساختن هرچه بیشتر زندگی دنیایی صرف نیست. در مکتب تربیتی اسلام ناب، شناخت طبیعت، مقدمه‌ای برای شناخت خداوند و افزایش توان‌مندی انسان برای مهار طبیعت و استفاده از آن برای زندگی بیشتر است. قرآن کریم، انسان‌ها را به شناخت طبیعت دعوت می‌کند و همه آنها را نشانه‌های قدرت الهی می‌داند:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَضْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾^{۱۲}

راستی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و در پی یک‌دیگر آمدن شب و روز، و کشتی‌هایی که در دریا روانند با آن‌چه به مردم سود می‌رساند، و [هم‌چنین] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده، و با آن، زمین را پس از مردنش زنده گردانیده،

ترویج و گسترش فرهنگ صحیح و مطابق با آموزه‌های دینی و الهی و همچنین ریشه‌کنی فرهنگ و سنت‌های غلط و شیطنانی مانند فرهنگ لیبرالیستی غربی که جز انحطاط و تباهی انسان‌ها هدفی ندارند، از مهم‌ترین اهداف نظام تربیتی مهدوی در بُعد ارتباطات فرهنگی است. در چنین مکتبی، ارزش‌ها و سنت‌های اسلامی و قرآنی، بعد از مدت‌ها فراموشی و بی‌توجهی، در میان مردم زنده می‌شوند و بدعت‌های فرهنگی و ارزش‌های منفی و جدانشده از آموزه‌های وحیانی و الهی، ریشه‌کن خواهد شد.

و در آن هرگونه جنبنده‌ای پراکنده کرده، و [نیز] در گرداندن باده‌ها، و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است، برای گروهی که می‌اندیشند، واقعاً نشانه‌هایی [گویا] وجود دارد.

یکی از خصوصیت‌های نظام تربیتی مهدوی این است که بشریت با افزایش معرفت و دانش به شناخت کاملی از جهان و طبیعت دست می‌یابد و با چنین شناختی، به وجود خداوند و قدرت الهی پی می‌برد و برای حضور در اجتماع و نقش‌آفرینی مثبت و شایسته در مسیر قرب الهی قدرت بیشتری پیدا می‌کند. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره شناخت گسترده طبیعت و بهره‌برداری کامل از آن در ایام ظهور چنین می‌فرماید:

... و تخرج له الأرض أقالید کبدها و تلقی إليه سلماً مقالیدها؛^{۴۳}

و برای او (حضرت مهدی سید) آنچه در اعماق زمین است، خارج می‌شود و همه امکانات خود را برای او (به‌واسطه شناخت طبیعت) ظاهر می‌سازد.

امام باقر علیه السلام در این باره چنین می‌فرماید:

گویا من یاران قائم را می‌بینم که بر شرق و غرب عالم احاطه پیدا کرده‌اند و همه چیز زیر فرمان آنهاست که حتی درندگان زمین و پرندگان شکاری آسمان در پی رضایت آنهایند...^{۴۴}

۲. استفاده شایسته از طبیعت

بهره‌وری درست و مشروع از نعمت‌های بزرگ الهی یکی از اصولی است که انسان‌ها در تعامل و ارتباط با طبیعت باید رعایت کنند بدون تردید، استفاده ناصحیح از طبیعت و نابود کردن آن و بی‌برنامه بودن و افراط و تفریط در بهره‌وری از طبیعت، موجب هدر رفتن این منابع خدادادی و محروم ساختن دیگر انسان‌ها و نسل‌های آتی از آن می‌باشد. به همین جهت، اسلام به انسان‌ها توصیه می‌کند از منابع و نعمت‌های خدادادی، استفاده صحیح و مشروع و هدف‌مند کنند و به‌واسطه کارهای شایسته شکر آن را به جا آورند و از طرف دیگر، هرگونه زیاده‌روی و لجام‌گسیختگی در بهره‌وری از طبیعت و نعمت‌های الهی را منع کرده است.

قرآن کریم، ما را به استفاده صحیح از طبیعت دعوت می‌کند و از فساد و تباهی به‌واسطه این نعمت‌های الهی باز می‌دارد:

﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾^{۴۵}

از روزی خدا بخورید و بیاشامید، و [لی] در زمین سر به فساد بر مدارید.

در نظام تربیتی مهدوی، مردم به چنان ظرفیت معنوی و علمی دست خواهند یافت که بعد از شناخت طبیعت، در راه عمران و آبادی زمین و استفاده مشروع و معقول و عادلانه قدم برخواهند داشت و از نعمت‌های طبیعت برای رفاه بشر در جهت رسیدن به کمال نهایی و قرب الهی، استفاده می‌کنند. در عصر کنونی که «دوره تکنولوژی و پیش‌رفت» است، بهره‌وری از طبیعت صرفاً به انگیزه اقتصادی و سیاسی و مانند آن صورت می‌گیرد و در این میان، حزب و گروه خاصی از بهترین امکانات بهره‌مند می‌شوند و عده زیادی هم با امکانات محدود و ناچیز زندگی می‌کنند. در عصر مهدویت، چنین وضعیتی رخت برمی‌بندد و انسان‌ها به‌صورت عادلانه و مشروع از همه امکانات خدادادی بهره می‌برند و سرمایه‌های طبیعی به‌طور یک‌سان در اختیار بشر قرار می‌گیرد تا به‌واسطه آن بتوانند خداوند متعال را به‌درستی بندگی کنند. چنان‌که امام باقر علیه السلام درباره آبادانی طبیعت و استفاده مطلوب از آن در زمان حضرت مهدی سید چنین می‌فرماید:

فلایقی فی الأرض خراب إلا عمر...^{۴۶}

هیچ جای خرابی در زمین باقی نمی‌ماند مگر این‌که آباد و بازسازی شود.

آن حضرت در حدیث دیگری، در مورد استفاده یک‌سان همه بشریت از منابع خدادادی و طبیعی در آن زمان چنین می‌فرماید:

فإنه یقسم بالتسوية و یعدل فی خلق الرحمن البرّ منهم والفاجر...^{۴۷}

همان‌سا او (حضرت مهدی سید) امکانات را به‌طور مساوی بین بندگان تقسیم می‌کند و میان همه مخلوقات خدا، از درست‌کار و فاجر به عدالت رفتار می‌کند.

نتیجه

با توجه به مطالبی که درباره اهداف تربیتی نظام مهدوی و ابعاد مختلف چنین اهداف مقدسی بیان شد، نکات و نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. نظام تربیتی مهدوی همانند دیگر نظام‌های تربیتی دارای اهداف مشخصی است که اهداف این نظام الهی - جهانی از آموزه‌های قرآنی و اسلامی سرچشمه می‌گیرد.

۲. اگر اهداف تربیتی به‌خوبی تبیین و تحلیل شود، فعالیت‌های تربیتی به‌درستی سامان می‌یابد و انگیزه کافی در آن فعالیت‌ها به‌وجود می‌آید و امکان ارزش‌یابی آنها فراهم می‌شود.

۳. با توجه به ابعاد مختلف ارتباطات انسان، اهداف تربیتی را در ارتباط انسان با خداوند متعال، ارتباط انسان با خود، ارتباط انسان با دیگران و ارتباط انسان با طبیعت می‌توان بررسی و تبیین کرد.

۴. در نظام تربیتی مهدوی، معرفت خداوند متعال، کسب ایمان و تقوا و گسترش روح عبودیت و شکرگزاری، از اهداف اصلی تربیتی ارتباط انسان با خدای متعال است.

۵. در نظام تربیتی مهدوی، کسب دانش و معارف، تعالی اندیشه و عقل، کسب فضایل اخلاقی، تعدیل غرایز و توجه هم‌زمان به دو بُعد جسمی و روحی از اهداف تربیتی در رابطه انسان با خود به‌شمار می‌رود.

۶. انسان در ارتباطات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باید دارای هدف الهی مشخصی باشد که هدف تربیتی چنین ارتباطاتی در نظام تربیتی مهدوی، کوشیدن در راه کسب سعادت دنیوی و اخروی خود و دیگران و جامعه انسانی است.

۷. شناخت طبیعت و بهره‌وری صحیح از آن، دو هدف اصلی مکتب تربیتی مهدوی در رابطه انسان با طبیعت و محیط‌زیست خود است.

یکی از خصوصیت‌های نظام تربیتی مهدوی این است که بشریت با افزایش معرفت و دانش به شناخت کاملی از جهان و طبیعت دست می‌یابد و با چنین شناختی، به وجود خداوند و قدرت الهی پی می‌برد و برای حضور در اجتماع و نقش‌آفرینی مثبت و شایسته در مسیر قرب الهی قدرت بیشتری پیدا می‌کند

پی نوشت ها:

۱. نک: مکتب‌های روان‌شناسی و نقد آن، ج ۱، ص ۳۷۹، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم: انتشارات سمت، تهران ۱۳۸۰ شمسی.
۲. همان، ج ۲، ص ۴۱۹-۴۲۰.
۳. سوره نحل، آیه ۹۷.
۴. علی‌اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج ۱۴، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ شمسی؛ محمد معین، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۱۰۶۳، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۷۱ شمسی.
۵. محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، ص ۱۲، چاپ اول: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی، قم ۱۳۷۷ شمسی.
۶. همان، ص ۱۷.
۷. نک: اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، علی‌رضا اعرافی، ص ۳، چاپ هفتم: انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۵ شمسی.
۸. سیداحمد احمدی، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، ص ۵۹، چاپ دوم: انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، تهران ۱۳۶۸ شمسی.
۹. نک: غلام‌حسین شکوهی، مبانی و اصول آموزش و پرورش، ص ۱۱۵، چاپ اول: انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۸ شمسی.
۱۰. نک: اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، ص ۵.
۱۱. همان، ص ۱۰.
۱۲. سوره طلاق، آیه ۱۲.
۱۳. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰، چاپ سوم: انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۰۳ قمری.
۱۴. همان، ج ۵۸، ص ۱۱.
۱۵. سوره نساء، آیه ۱۳۱.
۱۶. انبیاة الهداه، ج ۳، ص ۵۲۴.
۱۷. نک: اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، ص ۵۷.
۱۸. سوره ذاریات، آیه ۵۶.
۱۹. سوره نور، آیه ۵۵.
۲۰. نک: محمد حکیمی، عصر زندگی، ص ۱۷۲، چاپ پنجم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۳۸۱ شمسی. (به نقل از: مجمع‌البیان، ج ۷، ص ۱۵۲)
۲۱. سوره طه، آیه ۱۱۴.
۲۲. سوره مجادله، آیه ۱۱.
۲۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۵ شمسی.
۲۴. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.
۲۵. سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۱۰، چاپ اول: نشر دارالاسوه للطباعة و النشر، ۱۴۱۴ قمری.
۲۶. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.
۲۷. سوره اعراف، آیه ۳۱.
۲۸. لطف‌الله صافی گلپایگانی، منتخب‌الآثر، ص ۴۶۹، انتشارات مؤسسه السیده المعصومه، قم ۱۴۲۱ قمری.
۲۹. سوره محمد، آیه ۱۲.
۳۰. بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۸۳.
۳۱. نک: عصر زندگی، ص ۱۲۷. (به نقل از: نعمانی، الغیبه، ص ۳۳۷)
۳۲. سوره بقره، آیه ۲۲۹.
۳۳. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۴۶.
۳۴. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۳.
۳۵. سوره سبأ، آیه ۳۷.
۳۶. بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۹۰.
۳۷. همان، ص ۸۱.
۳۸. سوره ممتحنه، آیه ۸.
۳۹. سوره ممتحنه، آیه ۹.
۴۰. نک: اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، ص ۲۰۰.
۴۱. سوره حج، آیه ۴۱.
۴۲. منتخب‌الآثر، ص ۴۷۴.
۴۳. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۴۶.
۴۴. سوره اعراف، آیه ۱۵۷.
۴۵. نک: عصر غیبت، ص ۱۹۱. (به نقل از: منتخب‌الآثر، ص ۱۷۱)
۴۶. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.
۴۷. سوره بقره، آیه ۱۶۴.
۴۸. نک: عصر زندگی، ص ۱۲۳. (به نقل از: نهج‌البلاغه، ص ۴۲۵)
۴۹. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.
۵۰. سوره بقره، آیه ۶۰.
۵۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۶۰۳، روایت شانزدهم.
۵۲. بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۹.